

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ





روز فریادرسی

دفتر بیست و پنجم



آستانهای ملی
سازمان اسناد و کتابخانه ملی

پژوهش

دفتر بیست و سیم

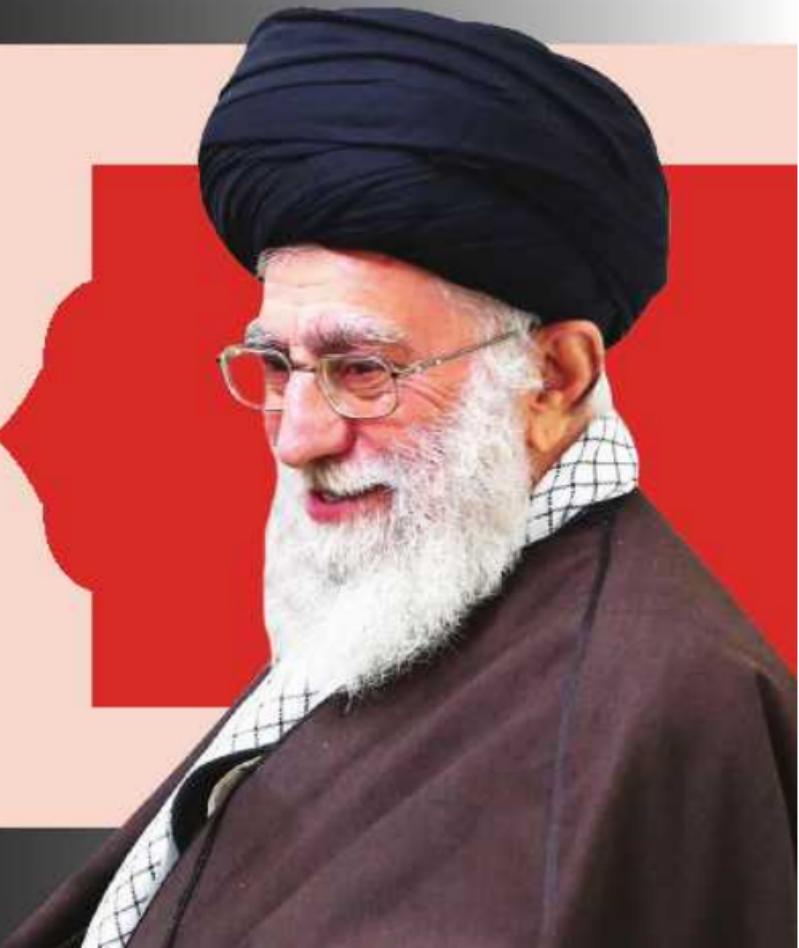
روز فریدادرسی

- تهیه و تولید: اداره تولیدات فرهنگی ■ به کوشش: حجج اسلام محمد رضا طاهری، جعفر صدیقی، محمد زارعی و خانم‌ها متنیره صرافان و همابادی مهرآبادی ■
- ویراستار: سیده منصوره رضوی ■ طراح گرافیک و صفحه‌آرا: امین کوثری ■
- چاپ: مؤسسه فرهنگی قدس ■ نوبت چاپ: اول ■ شمارگان: ۵۰۰ ■
- نشان: حرم مطهر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی، مدیریت فرهنگی ■
- تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۲۵۶۹ ■ صندوق پستی: ۹۱۷۳۵-۳۵۱ ■ حق چاپ محفوظ است ■

فهرست

۶	به جای مقدمه
۱۰	موقعه دل
۱۶	لحظه‌ای تدبیر
۲۰	از کلام امیر
۲۲	نجوای عاشقان
۲۶	مسابقه فرهنگی

به جای مقدمه



این نوشتار، دفتر بیست و پنجم از مجموعهٔ سی جلدی تا بهشت است که ویژهٔ ماه مبارک رمضان چاپ و اهدا می‌شود. امید آنکه ماهی پر از خیر و برکت را سپری کنیم.

به جای مقدمه، آغاز این سی جلد کتاب را مزین می‌کنیم به کلام روشنگر رهبر فرزانه‌مان:

از قبل از شروع ماه مبارک رمضان، پیامبر معظم اسلام ﷺ مردم را آماده می‌فرمود برای ورود در این عرصهٔ خطیرو والا و پُربرکت. اگر بخواهیم در یک جمله ماه رمضان را تعریف کنیم، باید عرض کنیم: «ماه فرصت‌ها»[ست]. فرصت‌های فراوانی در این ماه در برابر من و شماست. اگر از این فرصت‌ها بتوانیم درست استفاده کنیم، یک ذخیرهٔ عظیم و بسیار ارزشمندی در اختیار ما خواهد بود.

این یک ماهی است که شما در این ماه دعوت شده‌اید به میهمانی الهی. بعضی هستند که در این میهمانی عظیم اصلاً فرصت این را پیدا نمی‌کنند که به این دعوت‌نامه توجه کنند... بعضی‌ها هم بیشترین بهره را از این فرصت می‌برند.^۱

ماه رمضان یک فرصت بسیار مغتنم است برای اینکه خودمان را به خدا نزدیک کنیم، به کمال نزدیک کنیم، از مفاسد دور کنیم، از گناهان پاک کنیم. از هر روز و ساعتش باید استفاده کنیم.^۲



۱. بیانات در خطبه‌های تماز جمعهٔ تهران، ۲۳ شهریور ۱۳۸۶.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعهٔ تهران، ۱۲ دی ۱۳۷۶.

اموری است که در این ماه می‌تواند حقیقتاً برای هر کسی مایهٔ برکت باشد: از قرآن درس بگیریم. از دعاها درس و حکمت بیاموزیم. قدری در هدف از خلقت خود، در آفرینش خود، در نعمت‌های بزرگ خدای خود و در وظایف عظیمی که بر دوش ماست، تأمل و تدبیر کنیم. در مرگ و حساب الهی و ارزش عبادات و اعمال آنگاه که همراه با اخلاص باشد، تأمل کنیم. آن وقت، ماه رمضان حقیقتاً ماه مبارکی خواهد شد که امیدوارم برای همهٔ ما چنین چیزی در این ماه مبارک پیش بیاید.^۱



یہشت موعظہ دل



از گریه زهراخانم دلم ریش شد. حق داشت. از آن بلایی که سرش آمدۀ بود، همه‌اهل محل ناراحت بودند. با هزار جور پس‌انداز و قرض، تکه‌زمینشان را ساخته بودند؛ ولی مهندس ساختمان انصاف به خرج نداده بود و با نشست زمین، خانه روی سرshan آوار شده بود.

زمان حادثه، آقای حبیبی سرکار بود و زهراخانم با بچه‌هایش زیر آوار مانده بودند. معجزه بود که زهراخانم زنده مانده بود و الان هم همه‌فکر و ذهن‌ش پیش پسرهایش بود که با سروdest شکسته به مراقبت نیاز داشتند.

زهراخانم خیلی دردیدل کرد. خدابیامرز حاج فرج که بزرگ و آبرودار محل بود، خانواده آقای حبیبی را برد توى زیرزمین خانه‌اش که

سوئیت کوچکی بود، ساکن گرد. بندۀ خدا آقای حبیبی بعد از آن اتفاق، نه خانه داشت و نه پول. کلی هم قرض داشت که باید به این و آن پس می‌داد و صدالبته، بیشتر از همهٔ این گرفتاری‌ها نگران مداوای بچه‌هایش بود.

خانوادهٔ آقای حبیبی خیلی سربه زیر و مظلوم بودند. سال‌ها با آن‌ها همسایه بودیم. آن قدر آبرومند و محترم بودند که کسی صدایشان را نمی‌شنید؛ اما حالا به نان شب هم محتاج شده بودند. حرف‌های زهرا خانم خیلی فکرم را درگیر کرده بود. باید کاری می‌کردیم. هرچه نباشد، ما مسلمانیم! باید به هم کمک کنیم و آن روز، موقععش بود.

فاطمه ظرف زولبیا را که گذاشت وسط سفره، گفت: «مامان، کار دیگه‌ای ندارید؟» گفتم: «نه مامان جان، خودتم بیا بشین، نزدیک

میهمان

افطاره.» همین طور که می نشست، گفت: «پنج روز دیگه ماه رمضان
هم تموم می شه و می ره تا یک سال دیگه!» آقارضا روی مبل جایه جا
شد و گفت: «درسته دخترم. مثل برق و باد گذشت!»

تلویزیون تصاویر فلسطین را نشان می داد؛ ولی من همه حواسم
به اوضاع زندگی زهراخانم بود. خرابی خانه های فلسطینی ها را که
می دیدم، بعد از ظهری برایم تداعی می شد که خانه آقای حبیبی خراب
شده بود و همه دویده بودند سمت صدا! بی مقدمه گفتم: «آقارضا،
چقدر دلم برای خانواده آقای حبیبی می سوزه!» آقارضا همین طور که
چشمش به تلویزیون بود، گفت: «آره، خیلی اتفاق ناراحت کننده ای
بود. حسن آقا انگار هنوز توی شوکه! هر وقت تو مسجد می بینم،
توی فکره.» بعد بلند شد و آمد سر سفره، کنار ما نشست و ادامه داد:
بذا ریک خبر خوب هم بهتون بدم: اهل مسجد بیکار نموندن

و با پادرمیونی و ضمانت حاج فرج، بنا شده از صندوق
قرض الحسنہ محل، یک وام حسابی به حسن آقا پدن تا
خونه‌شون رو درست کنه. مسئول پایگاه هم که تازه پروانه
وکالت‌ش رو گرفته، کل ماجرای شکایت از اون مهندس
از خدابی خبر رو به عهده گرفت. دست‌وپاکردن وسایل خونه
و زندگی‌شون هم دست شما خانوم‌ها رو می‌بوسه. اگه
همه مون همت کنیم، ان شاء الله می‌لاد آقا امام رضا علیه السلام می‌رن
سر خونه و زندگی خودشون.

متکرانه نگاهی به تلویزیون انداخت و تا آمدم خوشحالی ام را نشان
دهم و خدا را شکر کنم، گفت:

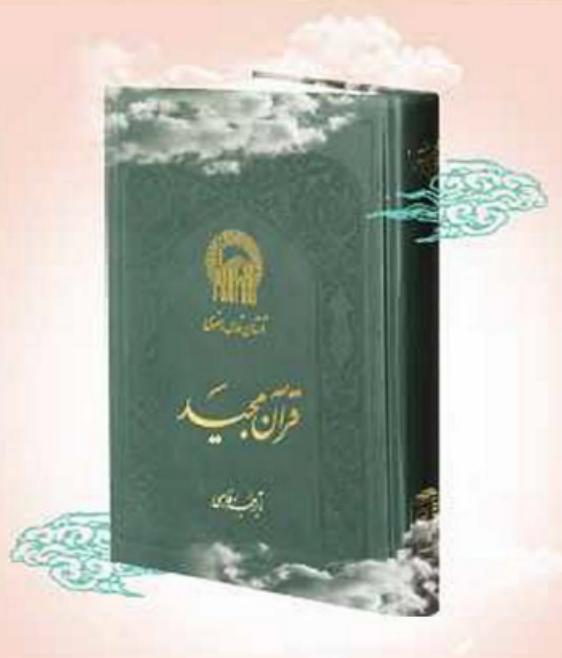
خدا رحمت کنه امام خمینی رو! اگه روز قدس رو تعیین
نکرده بود، الان کی به فکر این مسلمونای بی‌پناه بود؟!



توی محله ما یک خانواده بی خونه و آواره شدن، همه اهل محل به حالشون غصه می خورن و باهاشون همدردی می کنن. حالا توی فلسطین، هزاران هزار خانواده، آواره و بی سرپناه اند؛ ولی انگارنه انگار!.... حداقل فایده راه پیمایی توی این روز اینه که تلنگری می شه تا مسلمونای دنیا کمی به مردم مظلوم عالم فکر کنن.

آقارضا درست می گفت. ما خیلی وقت ها از حال مظلومین عالم غافلیم. لحظه افطار خدا را به خاطر گشایش در کار خانواده آقای حبیبی شکر کردم و از ته دل برای تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام دعا کردم. از خدا خواستم که به ما توفیق دهد تا در زمینه سازی برای ظهور آقا سهیم و دوران سراسر صلح و آرامش حکومت مهدوی را درک کنیم.





یهشت لحظه‌ای تدبر



وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشِلُوا وَتَذَهَّبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ
اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٤٦﴾

و از (فرمان) خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع (کشمکش)
نکنید تا سست نشوید و قدرت (شوکت و هویت) شما از بین نرود و
صبر و استقامت کنید که خداوند با شکیبايان(استقامت کنندگان)
است ﴿٤٦﴾



این آیه شریفه مومنان را به وحدت و یکپارچگی دعوت کرده و به آنان هشدار داده است که نزاع و دو دستگی سبب از بین رفتن شوکت و قدرتشان نزد مشرکان خواهد شد. ابتدای آیه با فرمان به اطاعت از خدا و پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم آغاز شده است . این بدان معناست که اتحاد و انسجام ملی در سایه اطاعت از خداورهبر دینی امکان پذیراست. در انتهای این آیه نیز خداوند مارا به صبر و بردباری در مشکلات دعوت کرده است تا بفهماند که قوی ترین یار و همراه انسان ها در سختی ها و مشکلات ، صبر و پایداری در راه حق است .



از کلام امیر
یزدی



امام علی علیہ السلام آنگاه که از جراحت ضربت ابن ملجم (العنة الله عليه) در بستر
بودند، به امام حسن و امام حسین علیهم السلام این گونه وصیت فرمودند:

أُوصِيكُمَا بِتَقْوَى اللَّهِ... أُوصِيكُمَا وَجَمِيعَ وَلَدِي وَأَهْلِي وَمَنْ
بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظِيمٌ أَمْرِكُمْ وَصَلَاحٌ ذَاتٍ بَيْنِكُمْ
فَإِنِّي سَمِعْتُ جَدَّكُمَا علیہما السلام يَقُولُ صَلَاحٌ ذَاتٍ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ
عَامَةِ الصَّلَاةِ وَالصَّيَامِ.



شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم... و اینکه همواره دشمن ظالم و یار و مددکار مظلوم باشد. شما و همه فرزندان و خانواده‌ام و هر آن‌که وصیتم به او می‌رسد را سفارش می‌کنم به تقوای الهی و نظم در امور زندگی و آشتی برقرارکردن بین افراد؛ زیرا از جدتان [رسول الله ﷺ] شنیدم که فرمود: «آشتی برقرارکردن بین افراد [و دل‌ها به هم نزدیک کردن]، پرفضیلت‌تر از هر نماز و روزه‌ای است..»^۱





نحوای عاشقان



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَسْنِ ثُغُورِ الْمُسْلِمِينَ بِعِزَّتِكَ وَ
أَيْذِ حُمَانَهَا بِقُوَّتِكَ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكَثِيرِ عَدَّتِهِمْ وَ
اَشَحَّ أَسْلِحَتِهِمْ... اللَّهُمَّ افْلُلْ بِذَلِكَ عَدُوَّهُمْ....

اللَّهُمَّ وَقُوَّبِذَلِكَ مِحَالَ أَهْلِ الإِسْلَامِ وَحَسْنِ بِهِ دِيَارُهُمْ وَثَمَرِيهِ
أَمْوَالَهُمْ وَفَرِغَهُمْ عَنْ مُحَارَبَتِهِمْ لِعِبَادَتِكَ وَعَنْ مُنَابَذَتِهِمْ لِلْخَلْوَةِ
بِكَ حَتَّى لا يُعْبَدُ فِي بِقَاعِ الْأَرْضِ غَيْرُكَ وَلَا تُعْفَرَ لِأَحَدٍ مِنْهُمْ
جَبَاهُهُ دُونَكَ.



لِلْمُسْلِمِينَ

اللَّهُمَّ اغْرِبْ بِكُلِّ نَاحِيَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَىٰ مَنْ يَأْزَانُهُمْ مِنَ
 الْمُشْرِكِينَ وَأَمْدُدْهُمْ بِمَلَائِكَةٍ مِنْ عِنْدِكَ مُرْدِفِينَ حَتَّىٰ يَكْسِبُوهُمْ
 إِلَىٰ مُنْقَطِعِ التُّرَابِ قَتْلًا فِي أَرْضِكَ وَأَنْسِرَاً أَوْ يُقْرُرُوا بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي
 لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ!



یهشت

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و مرزهای مسلمانان را به
 عزت خودت استوار ساز و نگهدارندگان آن مرزها را به نیروی خودت
 توانایی بخش خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و تعداد و
 جمعیت ایشان را بسیار فرما و سلاح های ایشان را برنده خدایا با
 آنچه خواسته شد دشمنانشان را درهم شکن

خداوندا، بِدین و سیله سرزمین‌های اسلامی را قوی ساز، دیارشان [را] استوار دار و برثروتshan بیفزای. آنان را از جنگ با دشمنان آسوده کن که به عبادت بپردازند و از کارزار با مخالفان، پیراسته فرما که به خلوت نیایش با تو رو آورند تا در سراسر زمین، جز تو کسی پرستش نشود و پیشانی هیچ‌کس جز در درگاه توبه خاک ساییده نشود.

خدایا، تمامی سرزمین‌های اسلامی را با صفوف پیاپی فرشتگانت یاری فرما تا سرانجام دشمنان را با کشتن یا به اسیری گرفتن به آخرین نقطهٔ کرهٔ خاکی عقب رانند یا اینکه [دشمنان] گواهی دهند که تويی آن خدایی که معبدی جز تو نباشد و یگانه‌ای هستی که هرگز همتایی ندارد.